



۲۰۱۸/۰۳/۱۱

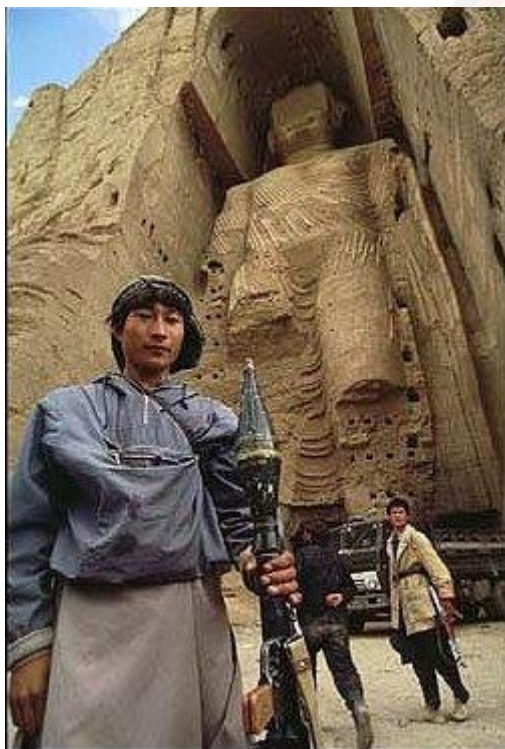
دوکتور فقیر چند چندیوک

بودا، طالبان و دولت فعلی

یازدهم مارچ مصادف است با روز سیاه و تاریکی که طالبان و وابستگان بنیاد گرای شان با خشونت و فرهنگ ستیزی مجسمه های پرشکوه و با عظمت بودای بامیان را فروپاشیدند. اینکار نهایت ننگین، فرهنگ کشی و تجاوز به دیگر باور ها و مذاهب جهان است. طالبان با انجام این عمل بی شرمانه نه تنها مورد انزجار و نفرت وسیع مردمان جهان قرار گرفته بلکه در تاریخ برای همیشه نام و شیوه حکومت داری شان به خط سیاه مانده گار شد.

بودا...

در حدود ۲۵۶۰ سال قبل در شهر Lambini واقع منطقه سرحدی بین کشور های نیپال و هند طلحه ای درخشید روشن



تر از آفتاب و آن تولد پسری در خانواده سلطنتی این منطقه بود. اسم این نوزاد را که بعداً به بودا شهرت پیدا کرد، Siddhattha Gotam گذاشتند.

شهرزاده سیداتا گوتاما، تا عمر ۲۹ سالگی به ناز و نعمت در قصر سلطنتی پرورش یافت. ولی حین دیدن یک انسان بیمار، یک انسان خیلی پیر، و بالاخره با دیدن انسانی که مرده بود، به تفکر عمیق فرو رفت. متوجه شد که انسان و زندگی اش پر از رنج و آلام است. خوشبختی و لذت مقام گذرایی را دارد. وی در جست و جوی اسباب این رنج و درد و راه رهایی انسان از آنها برآمد. وی قصر، جاه، جلال آسایش و آرایش ملکوتی را ترک کرد، راهب شد و روانه دریافت حقیقت گشت.

در اوایل خویشتن را دچار مصائب و تکالیف گوناگون جسمی ساخت روزه دوامدار حتی تا سرحد مرگ گرفت. ولی از این عمل به نتیجه ای نرسید. بناءً از آن دست کشید. پس از تعمق

فراوان در زیر درختی از نوع جنس «بودهی» نشست و به ریاضت طولانی و عمیق پرداخت و پس از ۶ سال متواتر

در سن ۳۵ سالگی به حقیقت و مفهوم فلسفی آن رسید و آنرا درک کرد و از آن پس به بُد ها (بودا) (کسی که از خواب بیدار گشته) معروف شد. وی ۴۵ سال عمر بقیه خویش را در تبلیغ و ترویج عقایدش صرف کرد. بودا به کوچه و بازار، در شهر و ده و در همه جا بین مردم رفت و درک خویش را از حقیقت با توضیح فلسفه آن بیان داشت.

سه اصل فلسفی بودا عبارت اند از:

- ۱- ukha (دوک ها) رنج و مصائب
- ۲- Tanha (تانهها) خواهشات نفسانی
- ۳- Nirvana (نروانا) رهایی از Tanha و Dukha

جهت رسیدن به رهایی هشت اصل ذیل اند:

- فکر سالم،
- گفتار سالم،
- عملکرد سالم،
- زندگی و حیات سالم،
- عزم سالم،
- تمرکز فکری سالم،
- ذخیره فکری سالم،
- درک سالم.

به عقیده بودا هر عملی را که انسان انجام می دهد، در نتیجه آن پاداش آنرا خواهد گرفت. به پندار وی این پاداش و نتیجه خواه در زندگی فعلی و یا در زندگی آینده پس تولد دوباره به انسان می رسد.

بودا به پیروانش همواره مراتب زیرین را تاکید می کرد:

- ۱- - عدم خشونت و کشتار (اهمسا)
- ۲- - نداشتن حق تصاحب چیزی از دیگران که به آنها داده نتوانی یا واگذاشت نکرده بی.
- ۳- - منع مناسبات جنسی نا مشروع
- ۴- - منع گفتار غلط که سبب ناراحتی دیگران شود.
- ۵- - منع استعمال مواد نشه آور.

او در دوران زندگی اش لقب مهاتما (روح بزرگ) را از طرف مردم دریافت کرد و به نام "مهاتما بُدھا" شهرت پیدا کرد. بودا نه تنها به توضیح حقیقت و درک فلسفی پرداخت بلکه در برابر نابرابری های اجتماعی زمان خویش قد علم کرد و همه مردم را یکسان و برابر می دانست. او زنان را نیز در سیستم رهایی پذیرفت و حرمت زن را با مردان مساوی اعلام کرد.

عقاید بودا بر علاوه آن که در هندوستان شهرت و وسعت یافت تدریجاً در طی قرون متمادی از سرحدات هند خارج شده به نیپال، برما، چین، کوریا، جاپان، تایلیند، ویتنام، لاوس، کمپودیا و سایر قسمت های جنوب شرق آسیا و افغانستان و سوریه رسید. البته انتشار و ترویج عقاید بودا در جهان کاملاً به گونه مسالمت آمیز و بدون کدام لشکری و توسل به خشونت صورت گرفته است.

به قول Mr.HU SHIH سفیر دولت چین مقیم ایالات محده امریکا "هند طی ۲۰ قرن کشور ما را از لحاظ عقیدوی اشغال کرده است بدون آنکه یک عسکر خویش را در سرحدات ما پیاده کرده باشد."

بودا و پیروانش در عرصه‌ای تبلیغ و ترویج عقاید شان هیچ نوع سپاه و لشکر و سرلشکر نداشته اند، فاتح و فتوحات نداشته اند غازی و شهید نداشته و چور چپاول نکرده اند و به زور سرنیزه باور خویش را بالای دیگران تعمیل ننموده، از کسی باج و جزیه نگرفتند، بلکه به مقام انسان و انسانیت ارج فراوان گذاشته و برای رهایی انسان از رنج و عذاب شیوه های معین فلسفی را پیشنهاد کرده اند.

در دوران سلطنت خاندان موریای در هند - در عصر چندراگوپتا و بعداً در زمان آشوکا بودیزم به خطه باستانی افغانستان آن هنگام رواج پیدا کرد که در زمان کوشانی ها تمدن بودایی به اوج و عظمت خویش رسید. برخی مؤرخین به این پندار اند که آیین بودا از افغانستان برین به کشور های همجوار راه یافته و مکتب هنری گانداهارا و تمدن گانداهارا در منطقه بی نظیر بوده اند.

شهر باستانی بامیان که به قول بعضی از مؤرخین در آنزمان حدود اضافه از ۳۰ کیلومتر مربع را داشت در سر راه کاروان های ابریشم قرار داشت که چین، هند و اروپا را باهم وصل می ساخت. در همین زمان بود که اختلاط کلتوری، مذاهب، فلسفه، معماری، و نقاشی و مجسمه سازی بودایی و یونانی بوجود آمد.

هیون تسانگ سیاح معروف چین در راه سفر به هند ازین شهر دیدن کرده تمدن بزرگ و با عظمت آن را ستوده است که در آن هنگام مرکز بزرگ فرهنگی و مذهبی بودایی - یونانی بوده است. این شهر در قرن ۹ میلادی پس از هجوم و لشکر کشی فاتحان اسلام به ویرانه و به خاک تبدیل گشت.

تا دوران طالبان مجسمه های بودای بامیان وقتاً فوقتاً مورد تجاوز در زمان زمامداری شاهان و سلاطین مختلفه افغانستان، قرار گرفته است. از جمله در زمان سلطان محمود غزنوی و امیر عبدالرحمن خان قسمت های دست و ناحیه پیشانی و قسمت روی مجسمه ها از بین برده شد. در زمان سلطنت محمد ظاهر شاه آلت تناسلی تندیس بودا از بین برده شد.

البته در حفظ، مراقبت و نگهداشت این گنجینه بزرگ و گران بهای ملی که عضوی میراث فرهنگی جهان شناخته شده بود، به استثنای دوران جمهوری محمد داؤد خان در دیگر دوره ها هیچ نوع توجه ای و اقدامی صورت نگرفته است.

طالبان...

در دوران حکومت طالبان (امارت اسلامی افغانستان) ابتداء تبلیغات وسیع در زمینه به راه انداخته شد که تمام آثار و شواهد غیر اسلامی در افغانستان باید از بین برده شوند. از جمله موزیک، سپورت، هنر مجسمه سازی، رسامی و عکاسی و غیره و غیره. همه این ها غیر اسلامی پنداشته شده و فوراً ممنوع اعلان شدند. حتی میله باستانی و عنعنوی «نو روز» تجلیل نشد.

در ماه مارچ ۲۰۰۱ شورای علمای کرام و ستره محکمه امارت اسلامی افغانستان اعلان داشت که تمام مجسمه ها در داخل خاک افغانستان غیر اسلامی اند و باید تخریب شوند.

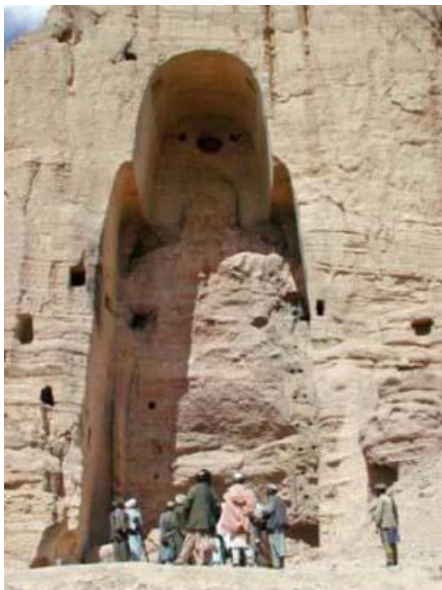
وکیل احمد متوکل وزیر خارجه امارت اسلامی افغانستان طی مصاحبه ای با Maninichi Shimbin جاپان گفت: "ما مطابق به قوانین اسلامی مجسمه های بودای بامیان را تخریب می کنیم. این یک امر حتمی و مذهبی است."

مگر زور قالب ندارد!

بتاریخ ۶ مارچ ۲۰۰۱ به قول روزنامه لندن تایمز امیرالمومنین ملا محمد عمر آخند اظهار داشت "مسلمانان باید به تخریب و از بین بردن مجسمه ها و بت ها افتخار کنند. الله برای ما رسالت داده است تا آنها را تخریب و از بین ببریم."

سرانجام پس صدور فتوا توسط ۴۰۰ نماینده علمای کرام که از سراسر افغانستان جمع شده بودند، و با تأیید امر و فرمان امیرالمومنین، باوجود مخالفت وسیع و سریع اکثریت مردم جهان تاریخ یازدهم مارچ ۲۰۰۱ تندیس های بودای بامیان را منفجر ساختند.

این عمل ننگین که در حقیقت عمل ترور فرهنگ و عدم تحمل مذهبی و توهین به مقدسات سایر دیانت هاست، توسط دولت امارت اسلامی افغانستان، با پشتیبانی مخفی باداران بین المللی شان (پاکستان و برخی کشور های عربی) اجراء شد. این انحصارگران اصل خدا پرستی و رفتن به جنت، با این عمل بی شرمانه و غیر انسانی شان به دست آورد های پدران و نیاکان خویش یورش برده و بروی شان نف انداختند و این عمل شرم آوری خویش را پاکسازی افغانستان از غیر اسلام و بت پرستی نام نهادند.



قابل توضیح می دانم که هرگاه سایر گروپ های افراطی در جنگ افغانستان همچو عمل را قبلاً انجام نداده بودند دلیل آن این است که ایشان هرگز چنان قوی نبوده اند تا حد اکثر خاک افغانستان را تحت کنترل و اداره می داشتند و نه به طور یقین به انجام این عمل جاهلانه قبل از طالبان متوسل می شدند.

پس از حادثه شوم یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ رژیم طالبان در کابل سقوط کرد و طالبان و رهبران دلیر شان همچو موش ها به انبار های پاکستان پناه برده و از آن جا در کمین انسان کشی و ترور ادامه می دهند. طالبان در تخطی از حقوق بشر، حقوق زنان و حقوق اقلیت های ملی و مذهبی به طور عام و در تخطی و تجاوز به حقوق اقلیت های مذهبی غیر اسلام افغانستان به طور خاص، دست هنتر را از پشت سر بسته و نام فاشیست های مذهبی را بخود کمایی کردند.

دولت فعلی...

پس از سقوط طالبان اگر چه در اوایل خوشبینی هایی در مورد اعاده و تعمیر دوباره مجسمه های بودای بامیان با کمک و مساعدت دول خارجی بخصوص کشور های جاپان و سویس و مؤسسه یونسکو به میان آمد ولی متأسفانه این پروژه روی ملحوظات سیاسی و تبلیغاتی به تعویق افتاده و در عوض از کمک های مالی جهانی هرچه بیشتر در راه های دیگر استفاده به عمل آمد.

یک تعداد عاملین حادثه تخریب و نابود کردن مجسمه های بودای بامیان همین اکنون عضو پارلمان افغانستان اند از جمله مولوی محمد اسلام محمدی والی ولایت بامیان در زمان طالبان، مولوی وکیل احمد متوکل وزیر خارجه طالبان و ملا راکتی قوماندان و آدم خور معروف طالبان می باشند.

نقطه مهم و قابل ذکر که وجوه اخلاقی مهم را در برابر جهانیان و بخصوص به پیروان بودا دارد این است که بعد از نابودی مجسمه های بودای بامیان ازین عمل شرمناک هیچیک از رهبران طالب ها، خواه به دولت فعلی تسلیم شده اند و یا نشده اند و هیچیک از رهبران جهادی و قیادی، هیچیک از دیموکرات ها و رهبران دولت فعلی در برابر جهان و بخصوص بوداییان معذرت و عذرخواهی نکرده اند.

در حالیکه در ارتباط به حوادث زندان گوانتانامو و چاپ کاریکاتورها، اعتراضات توأم با خشونت در سراسر افغانستان به وقوع پیوست.

من مخالف هر نوع عملی که سبب توهین و جریحه دار ساختن احساسات، مقدسات و عقاید مذهبی انسان ها شود، می باشم. ولی کاملاً واضح بگویم آنانیکه به بالا دستی خویش فکر می کنند دچار کبر و نخوت اند صرفاً طور یک جانبه به خود و مقدسات خویش احترام گذاشته و به مقدسات مذهبی دیگران ارج نمی گذارند، حق به جانب نمی شمارم.

دوران چهارسال پس سقوط رژیم طالبان نشان داده است که نابودی جسمی طالبان بدون نتیجه خواهد بود اگر در نابودی فکری و افکار طالبی مجادله و مبارزه قاطع صورت نگیرد.

باوجود کمک های هنگفت مالی جهانیان به افغانستان، متأسفانه دولت از طریق رسانه های گروهی از قبیل رادیو، تلویزیون، اخبار، سیستم تعلیمی مکاتب و پوهنتون ها در مساجد و تکایا و در محافل گردهمایی های مردم هیچ نوع کار و توجه در تبلیغ و ترویج فرهنگ تحمل، برده باری، پلیورالیستی مذهبی و همزیستی انسان ها با عقیده و مذاهب مختلفه مبذول نداشته و در این زمینه کدام پروگرام معینی ندارد. قانون اساسی کشور ما نیز این خلی بزرگ را محتوی است.

اگر درین مسیر کار وسیع و دوامدار صورت گرفته و اذهان عامه مردم روز تا روز روشن ساخته شود به یقین می توان گفت که به زودی افغانستان از حلقه افراطی گرایی و محافظه کاران به قطار کشور هایی شامل خواهند شد، که در آن همه اتباع آن به طور عملی باهم مساوی حقوق بوده و ارزش های دیموکراسی و سکولاریزم و پلیورالیزم برخوردار اند.

با استفاده از:

۱- Antony Flangani, Buddhism, Stepby Step

۲- Wikipedia the free encyclopeda, encyclopedia, Buddhas fo Bamian

با تشکر از ویساست وزین کابل ناتھ